

مروری بر نظریه «بیوفیلیا» به منظور کاربست آن در طراحی شهری پایدار

مریم روستا^{۱*}، نفیسه بابائی^۲

۱- * استادیار شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شیراز: m-roosta@shirazu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد طراحی شهری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شیراز: nafiseh.babaei@mail.um.ac.ir

:

چکیده

دغدغه‌ها و چالش‌های زیست‌محیطی در چنددهه اخیر، رویکردها و پارادایم‌های متعددی را وارد حوزه‌های مختلف دانش، نموده که «توسعه پایدار» مهم‌ترین و جامع‌ترین آن‌ها بوده است. رویکرد «بیوفیلیک» که می‌توان آن را به نوعی زیرمجموعه «پایداری» به شمار آورد، یکی از این رویکردهاست که در حوزه طراحی، معماری و مطالعات شهری در سال‌های اخیر مورد توجه کارشناسان بوده است. این رویکرد، که در برخورد با طبیعت، نگرشی حداکثری محسوب می‌شود، از دغدغه به حداقل رساندن آسیب‌های توسعه بر محیط زیست، فراتر رفته و بر پیوند و هم‌زیستی مردم با طبیعت در قالب فرآیند طراحی محیط مصنوع تأکید دارد. با این وجود، هنوز چارچوب مشخصی به منظور بهره‌برداری از این نگاه در طراحی و برنامه‌ریزی شهری به خصوص در کشور ایران وجود ندارد. این مقاله با هدف تهیه یک چارچوب نظری به منظور کاربست نظریه بیوفیلیک در طراحی شهری تدوین شده است. به این منظور با رویکرد توصیفی - تحلیلی در روش‌شناسی و استفاده از راهبردهای کیفی در پژوهش، ضمن مرور ادبیات، مهم‌ترین وجوه نظریه بیوفیلیک استخراج و در قالب ابعاد، شاخص‌ها و رویکردها دسته‌بندی و به صورت چارچوبی تدوین گردیدند. در این چارچوب، «رویکردهای طراحی شهری بیوفیلیک» در دو دسته «طراحی زمینه‌گرا» و «طراحی ارگانیک»، «موضع‌ها در طراحی شهری بیوفیلیک» در چهار دسته «ساختمان»، «بلوک»، «خیابان» و «محله» و در نهایت، «ابعاد طراحی شهری بیوفیلیک» در پنج بعد مدیریتی، اداری و بصری، کالبدی، فرهنگی و عملکردی و ملاحظات ناظر به هر بعد آمده است.

اطلاعات مقاله

زمینه تخصصی مقاله:
طراحی شهری

دریافت:

پذیرش:

واژگان کلیدی:

شهر بیوفیلیک، طراحی
همگام با طبیعت،
طراحی شهری، پایداری

پایگاه نمایه‌کننده:



پایگاه استادی علوم جهان اسلام

Sponsored and Indexed by
CIVILICA
We Respect the Science